خبر

مراسم‌های مناجات‌خوانی در ماه مبارک رمضان

همزمان با ایام ماه مبارک رمضان مراسم مناجات‌خوانی در مساجد و برخی از حسینیه‌های شهر تهران برگزار می‌شود.
بر همین اساس همزمان با ایام ماه مبارک رمضان در مسجد ارک تهران مراسم مناجات‌خوانی با حضور حاج‌منصور ارضی از شب اول ماه رمضان به مدت ۳۰ شب از ۳۰ دقیقه بامداد در محل خیابان ۱۵ خرداد مسجد ارک برگزار می‌شود. همچنین، هیأت مکتب‌الزهرا(س) به مناسبت فرارسیدن ایام ماه مبارک رمضان مراسم مناجات‌خوانی برگزار می‌کند. در این مراسم حجج اسلام مهدی حسن‌آبادی، اسماعیل کاظمی، مصطفی کرمی، ناصر یوسفی و حشمت‌ا... قنبری به ایراد سخنرانی می‌پردازند و محمدرضا طاهری و حسین طاهری مناجات‌خوانی این مراسم را برعهده خواهند داشت. زمان برگزاری از شب اول ماه رمضان به مدت ۳۰ شب از ساعت ۲۴ است. هیأت رزمندگان غرب تهران نیز همزمان با فرارسیدن ماه مبارک رمضان مراسم مناجات‌خوانی برگزار می‌کند. در این مراسم حجج اسلام ناصر یوسفی، علیرضا صادقی‌واعظ، عباس صراف، مصطفی کرمی، علی خزاعی و مهدی حسن‌آبادی به ایراد سخنرانی خواهند پرداخت و مناجات‌خوانی این مراسم برعهده سعید حدادیان و محمدحسین حدادیان است. زمان برگزاری این مراسم از امشب مصادف با شب اول ماه رمضان به مدت ۳۰ شب از ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه خواهد بود.

در گفت‌وگوی «جام جم» با حجت‌الاسلام یحیی جهانگیری سهروردی، استاد حوزه و مبلغ بین‌الملل بررسی شد

رمضان؛ جشنی به وسعت دنیا

بررسی کم‌وکیف برپایی جشن رمضان در گستردگی جهان مسلمانی

مریم فلاح
گروه فرهنگ و هنر

حجت‌الاسلام یحیی جهانگیری سهروردی، دارای دکترای شیعه‌شناسی و مطالعات اسلامی، در کنار تدریس در حوزه و دانشگاه به تالیف کتب و مقالات بسیاری پرداخته که برخی از آنها رتبه‌های اول کشوری را برای او داشته‌اند. وی صاحب تالیفاتی چون «مصلحت در فقه، مبانی، رهیافت‌ها و راهکارها»، «مسجد مجازی؛ رهیافت‌ها و راهکارها»، «بگذار زندگی کنم! بررسی سبک زندگی اسلامی» و... است. در سال‌های اخیر نیز بخشی از فعالیت‌های خود را به تبلیغ و پژوهش در عرصه‌های فرامرزی اختصاص داده است. همچنین عضو هیأت تحریریه مجله علمی the Journal of Science, Education and Society وابسته به دانشگاه وروتسلاو در لهستان، عضو مشاور مرکز بین‌المللی گفتمان صلح اسلامی در سوئد و مشاور مذهبی شرکت حلال سیلکرود در ژاپن است.
همچنین در کنار اشتغالات علمی، مسئولیت‌های اجرایی متعددی را عهده‌دار بوده است. از جمله: مدیرکل ارتباطات علمی و بین‌المللی دانشگاه مذاهب اسلامی؛ استاد مدعو کرسی اسلام‌شناسی دانشگاه ملی زیمبابوه و دانشگاه دولتی بیشکک قرقیزستان؛ سردبیر مجله علمی پژوهشنامه شیعی مرکز تخصصی شیعه‌شناسی تهران؛ دبیر علمی و عضو کمیته داوری کنفرانس دین، اخلاق و فلسفه ژاپن (۲۰۱۳) و عضو کمیته داوران و هیأت علمی دومین همایش منطقه‌ای گفت‌وگوی ادیان: آفریقا، پنجمین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین علوم و تکنولوژی با محوریت علم در خدمت توسعه، چهارمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی و....
حجت‌الاسلام جهانگیری از گذر سال‌ها حضور و پژوهش در کشورهای مختلف بر این باور است که «رمضان» واجد هویت اسلامی به گستردگی «جهان مسلمانی» است و در جهان اهل سنت و به تعبیری این جهان مسلمانی، رمضان بیش از این‌که عبادت باشد، یک فرهنگ است. او در بخشی دیگر از صحبت‌هایش در جمع مدیران ارشد صداوسیما رمضان را منسکی درونی دانست که وحدت‌آفرین است و از این‌رو در این کشورها بیش از این‌که یک منسک عبادتی باشد، جشنی است که در برپایی آن آیین میزبانی و مهمانی به جاآورده می‌شود. اسلامی‌شدن علم، تربیت مجتهد برای جوامع غیراسلامی، کم‌وکیف مسلمان‌بودن و مسلمان‌شدن در سایر کشورها از دیگر سرفصل‌هایی است که طی صحبت‌هایش به آن پرداخت.

گستردگی «جهان مسلمانی» رمضان

اگر رویدادهای جهان اسلام را مرور کنیم، می‌بینیم بخشی از آن تم شیعی دارد مثل محرم که کاملا رویداد مناسکی و آیینی بومی شیعی است اما رمضان یک هویت اسلامی دارد و این ظرفیت بزرگی است. اگر بخواهیم دو رویداد بزرگ اسلامی یا فراشیعی را مثال بزنیم یکی حج است و دیگری رمضان. البته حج ظرفیت رمضان را ندارد. به خاطر این‌که حج Localize (بومی‌سازی) می‌شود در یک مکان مشخص به نام عربستان سعودی یا حجاز ولی رمضان یک تراکنش جهانی دارد. می‌خواهم چند نکته در حد درک و دریافت طلبگی خودم عرضه کنم:

- ویژگی خاص رمضان این است یک گستردگی جهان مسلمانی دارد. نمی‌گویم جهان اسلام، روی کلیدواژه‌ها دقت دارم. مثلا استرالیا به عنوان جهان اسلام حساب نمی‌شود ولی جهان مسلمانی به شمار می‌آید. شما آنجا مسلمان را می‌بینید. پس رمضان گستردگی‌اش فراتر از جهان اسلام، بلکه به گستردگی جهان مسلمانی است. با این فکت و گزاره‌ها می‌خواهم چند نتیجه بگیرم.
- در جهان اهل سنت یا به تعبیری دیگر جهان مسلمانی، رمضان بیش از این‌که عبادت باشد، یک فرهنگ است. مثلا در سیدنی شب‌های ماه رمضان مردم جمع می‌شوند در خیابانی و آنجا رمضان را به معنای واقعی celebrit (برجسته، مشهور) می‌کنند. اصلا در فرهنگ اهل سنت، رمضان بیش از این‌که یک مبحث مناسکی ـ عبادی باشد، یک بحث فرهنگی است. این فرهنگ‌شدگی رمضان نگاه ما را در تولید برنامه‌های رادیو و تلویزیون باید متفاوت کند.
- افزون بر وحدت فقهی داشتن، ابواب فقه را که ببینیم. دو باب خیلی مشترکات فقهی دارند، یکی حج و دیگری رمضان ولی رمضان افزون بر حج، یک وحدت کنشی هم دارد. حج یک منسک برون‌دادی است؛ باید بروید مشعر و منا که همه یک منسک برون‌دادی است. ولی رمضان کاملا یک منسک درونی است. وقتی منسکی درونی باشد، ناخودآگاه تفاوت‌ها کمرنگ می‌شود و این خودش وحدت‌آفرین است. به این ترتیب افزون بر ابعاد فقهی، بحث وحدتی دارد، در نمود و تجلی دادن و در واقع عمل به این منسک هم به خاطر درونی بودنش، باز آن بحث وحدت پررنگ است.
- آنچه در بحث رمضان باید مورد توجه قرار گیرد، مسلمان بودن است (به عمد نمی‌گویم هویت اسلامی) بحث سنگینی مبنی بر این‌که امروزه خیلی‌ها اصلا به هویت اسلامی خودشان به علل اسلام فوبیا یا اسلام هراسی نمی‌خواهند توجه کنند. برای همین می‌بینیم در غرب در آمارهای دینی، شخص تیک اسلامی را نمی‌زند، چون نمی‌خواهد به مثابه هویت این را بروز دهد اما او در مراسم شرکت می‌کند که اسمش را می‌گذارم مسلمان بودگی و در ماه رمضان، مسلمان بودگی مسلمانان را در همه جای دنیا به‌طور جدی می‌بینیم. با طرح این چند گزاره راهبردی می‌خواهم نتیجه بگیرم که ۱ـ رمضان، وحدت آفرین است؛ ۲ـ می‌تواند بخشی از فوبیایی که علیه ما در دنیا و به‌ویژه در جهان، با نام اسلامی شکل می‌گیرد را خنثی کند.

> در جهان مسلمانی و فرهنگ اهل سنت، رمضان بیش از این‌که یک مبحث مناسکی – عبادی باشد، یک بحث فرهنگی است. این «فرهنگ‌شدگی» رمضان نگاه ما را در تولید برنامه‌های رادیو و تلویزیون‌مان باید متفاوت کند

منسکی عبادتی یا یک جشن

با تجربه حضور در ۴۰ کشور به عنوان مبلغ دینی می‌گویم که رمضان بیش از این‌که یک منسک دینی باشد، یک جشن است. دوم این‌که می‌بینید از روز اول رمضان یکی از واژه‌هایی که می‌گویند اصطلاح «رمضان کریم» است. این نشان می‌دهد که رمضان با فرهنگ فولکلور مسلمان‌بودگی هم خودش را نشان می‌دهد. این فرهنگ فولکلور از رمضان کریم شروع می‌شود؛ لذا حتی دنیایی که ممکن است به اسلام نگاه مثبتی نداشته باشد، به این فرهنگ و جشن توجه می‌دهد. در کشوری مثل استرالیا که فضا را باز کرده، در آنجا یک جشن جدی اتفاق می‌افتد. برخلاف ما شیعیان که رمضان را یک آیین منسکی – عبادی و سوگ‌مندی می‌دانیم، در جهان اهل سنت یا به تعبیری دیگر بگوییم مسلمان‌های بیرون، رمضان یک جشن است. این چیزی است که در تعامل ما با جهان بیرون خیلی مهم است. ما رمضان را سراسر با شرح دعاها و با یک تفکر و به اصطلاح «رفلکشن» دینی، یک «مدیتیشن» و یک سوگواری دینی می‌گذرانیم اما شما آنجا می‌بینید همه‌اش جشن است. این تفاوت ما با آنهاست. این نشان می‌دهد که اگر ما می‌خواهیم یک ظرفیت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی اتفاق بیفتد، باید به این نکته‌ها توجه کنیم.

توجه به وجه «نامعبدبسندگی» رمضان

بحث فرامرز بودن و معبدبسندگی را یک نکته خیلی مهم می‌بینم. مناسک‌های دینی، معبدبسندگی دارد و باید در معبد اتفاق بیفتد. چه در یک معبد رسمی باشد یا در یک خانه ولی رمضان «نامعبدبسندگی» است.
مثلا در قرقیزستان، با شروع ماه رمضان در کف خیابان از شیرینی‌فروش‌ها تا لباس‌فروش‌ها را می‌بینید؛ پس رمضان فستیوالی است در فهم مسلمانی بیرونی. من یک سالی زیمبابوه بودم؛ ماه رمضان که می‌شد قیمت خرما خیلی رشد می‌کرد آن‌قدر که مجبور بودیم خرما را از ایران وارد کنیم. فروش غذای حلال به نسبت ماه‌های دیگر رونق بیشتری داشت؛ حتی مسلمان‌هایی که تا قبل از ماه رمضان غذای حلال اصلا برای‌شان مسأله جدی نبود، حالا به دنبال آن بودند. در ماه رمضان مسلمان‌شدگی و مسلمان‌بودگی به یک‌باره برای‌شان مسأله می‌شد. حتی به لحاظ گفتار و پوشش و زیست مسلمانانه خودشان هم طور دیگری رفتار می‌کنند.

تجربه یک زیست ایمانی

در استرالیا (استرالیا را مثال می‌زنم چون کشورِ هدف چندین ساله من است) در ماه رمضان شب‌ها شاهد برنامه حسینیه‌های مراکز اسلامی هستیم. مردم تا سحر آنجا هستند. هر کس غذای اسلامی خودش را آنجا دارد. یکی صدقه می‌گیرد برای یمن، یکی برای سوریه؛ آنی که طرفدار القاعده است برای القاعده! هر کس بازار خودش را دارد. منتها چیزی که می‌بینید مردم تا صبح آنجا یک زیست ایمانی را تجربه می‌کنند. همین طور در افطاری‌های جمعی که یکی از ویژگی‌های زیست مسلمان‌بودگی در فضای مسلمانان بیرون است. اینها در جامعه ما کمتر دیده می‌شود. مثلا زمانی که با خانواده‌ها بیرون می‌رفتیم، هر کس هر چی می‌پخت همان را می‌آورد و باهم به اشتراک می‌گذاشتند. تنوع و تفاوت‌هایی که در این نوع زیست خودش را نشان می‌دهد باعث همگرایی هم می‌شود. بارها گفته‌ام که ما وحدت اسلامی را کلا الهیاتی کردیم. همه‌اش شده نماز مشترک؛ درحالی که وحدت در زیست مؤمنانه باید اتفاق بیفتد. این زیست مؤمنانه همه‌اش این نیست که ما در مهدویت مشترکیم. در زیست مؤمنانه‌مان چقدر این وحدت خودش را نشان می‌دهد؟ در زیست امام صادق(ع) این را می‌بینیم، هیچ وقت امام نمی‌آید صرفا بحث‌های الهیاتی کند. کاری می‌کند که همه در محفل او شرکت کنند. آفریدن «زیست مؤمنانه وحدتی» خیلی مهم است.

افطارهای مشترک شیعه و سنی

سحرهای جمعی یکی از اتفاقاتی است که تا صبح بحث‌های پرسش و پاسخ در آنجا اتفاق می‌افتد و بعد افطارهای مشترک شیعه و سنی را داریم که به نظرم بسیار اهمیت دارد. مورد دیگری که حداقل من در استرالیا تجربه‌اش را دارم و در روسیه هم شاهدش بودم، افطار در کلیسا و افطار برای غیرمسلمانان بود؛ این دو جداست. مثلا در استرالیا آقایی هست به نام دیویس میس که کشیش بسیار مشهوری است. ایشان یک شب برای افراد مسلمان در کلیسا افطاری می‌دهد. بعد جالب است افطاری‌اش را هم تقسیم می‌کند. یک منویی را می‌گذارد حلال، یک منو هم غیرحلال است! بعد همه با باورهای مختلف می‌آیند. همین که شما این تنوع را در یک کلیسا می‌بینید، خیلی مهم است. آنجا هرکس درباره باورهای خودش صحبت می‌کند و ما هم درباره اسلام صحبت می‌کردیم. دیدن این صحنه‌ها به نظرم خیلی خاص است.

پروژه پژوهشی دانشگاه هاروارد

به‌کرات شنیده‌ایم که می‌گویند این همه بودجه در ایران برای دین صرف می‌کنید. المصطفی، حوزه علمیه، صداوسیما و ... درحالی‌که غرب درباره دین هیچ خرج نکرده و زیست بهتری دارد. شما برای چه این‌همه برای دین خرج می‌کنید؟ یا می‌پرسند که این همه مراکز پژوهشی ما درباره مهدویت و وحدت و هزار آموزه دینی تحقیق می‌کنند، برون‌دادش در حل مسأله جامعه ما کجاست؟
برای این‌که این سؤال‌ها را به مثابه یک نهاد حاکمیتی پاسخ دهیم، پیشنهاد طلبگی من این است که رادیو و تلویزیون به لحاظ اطلاعات باید قدری غنی‌سازی کند، به نوعی که نگاه رسانه‌اش هم در آن گنجانده شده باشد. الان در دنیا مراکز مختلف اسلام‌پژوهی و شیعه‌پژوهی برقرار است. خالد سنداوی در دانشگاه حیفا، بیش از ۳۰ سال عمرش را گذاشته درباره صحیفه حضرت زهرا(س) کارکرده. بعد جالب است که همه می‌گویند صحیفه حضرت زهرا(س) نیست، این‌که یک فرد عمرش را می‌گذارد صحیفه را پیدا کند، ولو یک جمله‌اش را، دلیلش چیست؟ واقعیت این است که در دنیای امروز توجه زیادی به پژوهش‌های آکادمیک در حوزه قرآن، مهدویت و ... می‌شود. نمونه‌اش دانشگاه هاروارد که پروژه پژوهشی تعریف می‌کند با عنوان «Hiden Imam Af Shea» و می‌خواهد که درباره امام غایب شیعیان تحقیق و صحبت شود. البته اگر بنا به صحبت بایدن، دانشگاه هاروارد دراین‌باره تحقیق می‌کند، دنبال مسلمان‌کردن یا مسلمان‌شدن نیست، او دنبال این است که از این ظرفیت استفاده کند برای زیست بهتر خود. این زیست بهتر خود یعنی توسعه خودش برای مقابله با دشمنش. پس این تفاوت را باید در نظر داشته باشیم و از آن برای تعمیق باورهای دینی خودمان و بسط نگاه اسلام ناب خودمان استفاده کنیم.

اسلامی شدن علم

درباره قرآن‌پژوهی باید بگویم امروزه در ایران موضوع اسلامی شدن علم مطرح است. این‌که آیا علوم اسلامی بشود یا نه؟! پایان‌نامه‌ای در دانمارک دفاع شده تحت عنوان «اسلامی شدن علم». درباره اصول فقه ما، آقای یوسویوکی در دانشگاه ژاپن تحقیق کرده که «مصلحت در فقه شیعه» یعنی چه؟ خانم نایف در دانشگاه سوئیس درباره «نذر شیعه» تحقیق کرده و می‌گوید که چگونه می‌توانند مدل نذر شیعه را برای یک جامعه سکولار بومی کنند. امروزه به قول فاضل نظری، شاعر دنیا عوض شده است، نه این‌که دین‌دار شده است، این فهم غلط است! دنیا می‌خواهد از ظرفیت الهیات استفاده کند. حالا در این شرایط، ما این همه تهدید می‌شویم که بودجه‌ها کجا می‌رود؟ اصلا اسلامی‌سازی علوم یعنی چه؟ تمدن نوین که می‌گویید چیست؟ شما در هپروت سیر می‌کنید! و ....

برش

مردی برخاسته از دیار سهروردی‌ها

حجت‌الاسلام یحیی جهانگیری سهروردی، برخاسته از شهر سهرورد زنجان است؛ شهری که مهد پرورش عرفان، فلسفه و هنر اسلامی است. از جمله فیلسوف نامدار ایرانی «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» یا «شیخ عمر شهاب‌الدین سهروردی» از نامدارترین شیوخ تصوف و موسس سلسله سهروردیه و همچنین «ابوالنجیب سهروردی» که آغازگر و مرکز اتصال برخی سلاسل صوفیه محسوب می‌شود و خوشنویس برجسته دوره ایلخانی «احمد سهروردی» معروف به یاقوت ثانی که جملگی از زادگان این دیارند. دکتر جهانگیری نیز به خاطر نبوغ سرشار، همواره مورد تحسین استادان خود بوده است. وی که به اصرار پدر راهی مطالعات علوم حوزوی شده بود، در سال سوم تحصیلات حوزوی‌اش به دعوت مسئولان حوزه به تدریس رسمی نیز مشغول شد و در حالی که ۱۷ سال بیشتر نداشت، به تدریس دروس مقدمات پرداخت. یحیی جهانگیری جزو اولین طلاب تاریخ حوزه مقدسه قم است که رساله علمی عالیه خود را به زبان انگلیسی نگاشته است. تلاش فاخر علمی ایشان در تدوین رساله دکتری حوزوی موجب شد که هیأت داوران نمره عالی یعنی ۱۹ را به او اعطا کنند. به جهت تسلط بر چند زبان خارجی، این توفیق را داشته که در کنفرانس‌ها، دانشگاه‌ها و محافل اهل بیت خارج کشور نیز حضور داشته باشد، کشورهایی چون ژاپن، نروژ، سوئیس، مالزی، ترکیه، اندونزی، بلاروس، فرانسه، لهستان، عراق، سوریه، عربستان، روسیه و تونس. افزون بر این فعالیت‌های بین‌المللی ایشان است. وی در سطح عالی حوزه، مقطع دکتری و ارشد در جامعه المصطفی، جامعه الزهرا، دانشگاه مذاهب اسلامی و حوزه علمیه خواهران به تدریس زبان‌های فارسی و انگلیسی مشغول است.

وقتی دیگران ما را روایت می‌کنند

مراکز پژوهشی ما اساسا از آنچه که در بین آنها اتفاق می‌افتد به معنای واقعی بی‌خبرند. درباره مهدویت، مصلحت و موضوعاتی که گفتم کار می‌شود اما اصلا ناظر به فضای بیرون نیست. درباره پروژه دانشگاه هاروارد چقدر از حوزه علمیه حضور داشتند؟ چقدر دانشگاه حضور داشت؟ نتیجه این‌که «اگر ما روایت نکنیم، دیگران ما را روایت می‌کنند» بنده یک پیشنهاد برای ماه رمضان دارم. بیاییم یک برنامه نخبگانی در یک بستر پربیننده بسازیم و مثلا در بحث مهدویت، از مؤسساتی که درباره مهدویت کار می‌کنند دعوت شود یا درباره همین پروژه دانشگاه هاروارد صحبت شود. اصلا بیایید یقه مؤسسه ما را بگیرید، بپرسید شما کجا هستید. اصلا خبر دارید که دارند ما را روایت می‌کنند و شما غایبید و... جهاد تبیین این نیست که فقط بیان کنیم، جهاد تبیین یعنی افرادی که الکی بیان می‌کنند، آنها را به بیان واقعی وادار یم، جهاد تبیین یعنی این‌که درباره مهدویت حرفی بزنیم که امروز لازم است. امروز می‌بینیم دپارتمان ژاپن درباره «مصلحت» کار می‌کند. مؤسسات ما چقدر کار می‌کنند؟

> اگر بنا به صحبت بایدن، دانشگاه هاروارد درباره امام غایب شیعیان تحقیق می‌کند، دنبال مسلمان کردن یا مسلمان شدن نیست؛ دنبال این است که از این ظرفیت استفاده کند برای زیست بهتر خود. یعنی توسعه خودش برای مقابله با دشمنش

باید وارد ماراتن شویم

طبق آمار سال ۹۶ بیشترین سهم تولید علم ما در حوزه علوم فنی مهندسی، پزشکی و نانو است. ما هرچقدر در این ساحت‌ها رشد کنیم، باز دیگران اول و دوم هستند و ما در این ماراتن هیچ‌گاه اول نخواهیم بود. اما در حوزه علوم اسلامی که کاملا مال ماست اگر وارد ماراتن شویم، حتما اولیم. چرا این جاها حاضر نباشیم؟! ما درست در جایی که سرزمین ماست، غایب جدی هستیم. طبق آمار سال ۹۶ زیر ۲ درصد تولید علم ما در حوزه علوم انسانی اسلامی برای دنیاست و عجبا! همین را تشریح کنیم، می‌بینیم آن هم در مورد باستان‌شناسی، زمین‌شناسی، مردم‌شناسی و اقتصاد است. سهم علوم اسلامی ما بسیار ناچیز است. دنیا درباره علوم اسلامی کارهای جدی انجام می‌دهد و ما غایب جدی هستیم. در حالی که نقطه امتیاز و مزیت جدی ماست. اگر تأکید داشتم بر این‌که ماه رمضان نقطه اشتراک ماست، به دلیل فوبیا و گاردی که رقیب ایجاد کرده و نمی‌گذارد در این فضا ورود کنیم. باید این دروازه را با ماه رمضان باز کنیم. ما باید از این بستر و این نقطه مشترک استفاده می‌کنیم؛ وقتی آقا می‌فرماید وحدت، به معنای این نیست که وحدت توقفگاه ما باشد؛ بلکه یک موقفی است برای رسیدن به یک عرصه بالاتر. ما رمضان را هم باید از این منظر دید.

رسانه، ویترینی از مسلمان بودگی

وقتی شبکه «One Way» را به عنوان یک شبکه رسانه‌ای مسلمانان اهل سنت استرالیا می‌بینید، بیش از این‌که آداب اسلامی و مفاهیم عمیق اسلامی را یاد بدهد، (به عنوان یک گزارشگر توصیفی عرض می‌کنم) فقط صبح تا شب گزارش می‌دهد که چه کسانی روزه گرفته‌اند؟ اصلا وارد آن عمق معنایی نمی‌شود. در واقع رمضان به مثابه یک مسلمان بودگی و فرهنگ خودش را نشان می‌دهد و نه عبادت؛ حتی روحانی‌های آنها هم اگر صحبت می‌کنند، نمی‌خواهند به مباحث دینی عمق بدهند. در همان سطح لایه فرهنگی نگه می‌دارند. متاسفانه حتی جامعه نخبگانی دانشگاهی هم گویی تحت تأثیر این گفتمان فکری قرار گرفته. در دانشگاه چارلز استرالیا درباره اسلام تحقیق می‌کنند اما اصلا مباحث عمیق اسلامی ما را نمی‌بینید. فقط تحلیل می‌کنند چه تعداد مسلمان امسال افطاری دادند و نتایج را در قالب مقالات علمی درمی‌آورند. یعنی اسلام را هم باز به مثابه یک فرهنگ می‌بینند اما اگر وارد بحث نخبگانی علمای جهان اسلام بشویم، اینها اتفاق می‌افتد ولی چون بدنه جامعه اساسا مسأله را به مثابه فرهنگ می‌بیند، منِ آقای جهانگیری اگر بخواهم صحبت کنم، نمی‌توانم از معنای دقیق لیله‌القدر در دیدگاه آیت‌ا... جوادی آملی بگویم. باید از «لیله‌القدری» تفسیر کنم که آن جامعه تقاضایش را دارد و این در دراز مدت موجب سطحی‌شدگی مسلمان‌بودگی در آن جامعه می‌شود. واقعیت این است که این مسلمان‌بودگی و مسلمان‌شدگی بیش از این‌که تغییر الهیات درون باشد، تغییر فرهنگ است. شخصی مسلمان می‌شود به خاطر این‌که دوست مسلمانی داشته و از او خوشش آمده، یا مسلمان می‌شود چون با یک فرد مسلمان ازدواج کرده. این‌طور نیست که مدل‌شان اسلام‌پژوه سرشناس آلمانی مری شیمل یا فیلسوف، شیعه‌شناس و ایران‌شناس فرانسوی، هانری کُربن باشد. پس ما دو اتفاق در بیرون می‌بینیم: یکی در کف میدان که مسلمان‌بودن یا مسلمان‌شدگی فرهنگی است که اتفاق می‌افتد و ما نمودش را در رمضان به آن شکل می‌بینیم و دیگری در حوزه آکادمیک و نخبگانی اتفاق می‌افتد که دنبال مسلمان‌شدگی و بودگی نیست؛ دنبال استفاده از آموزه‌های اسلام برای زیست بهتر جامعه خود است.

تربیت مجتهد برای جوامع غیراسلامی

امام جمله‌ای در منشور روحانیت دارد با این مضمون که حوزه‌های علمیه باید مجتهد تربیت کنند حتی برای جوامع غیراسلامی؛ یعنی برای جامعه «آتئیست» استرالیا که دومین دین در استرالیاست، مجتهد تربیت کنیم. انقلاب ما زمانی می‌تواند در مقیاس بین‌المللی کار کند که نهادهای ما از نگاه بومی شده دست بردارند و این نیازها را ببینند. امام می‌فرماید مجتهدی که در جهان اسلام کار می‌کند، باید بداند که محمد مکه با محمد مدینه فرق می‌کند. وقتی یک فرد غیرمسلمان می‌خواهد مسلمان شود، (معمولا علمای پاکستانی این کار را می‌کنند) بعد از این‌که شهادتین را گفت به او می‌گویند مثلا دیگر با دخترخاله‌ات دست نده، مادرت غذا آورد از آن نخور. لباس‌های این‌گونه بپوش و... فرد مسلمان شده وقتی وارد خانه‌اش می‌شود، طبیعتا خانواده‌اش از تغییر رفتار او گیج و متحیر می‌شوند و نمی‌دانند که چه اتفاقی افتاده؟ جامعه به این فرد نمی‌گوید مسلمان، به این فرد می‌گوید دچار «brain washing» یعنی شست‌وشوی مغزی شده و لذا سیستم آنجا به من جهانگیری و هر رسانه‌ای که اسلام را تبلیغ می‌کند حساس می‌شود؛ می‌گوید شما مُبلغ دین نیستید، شما یک «Brainwasher» هستید چرا که تبلیغ من، یک تبلیغ فرآیندی نبوده و lastversion یا نسخه آخر اسلام را در همان اول کار گفته‌ام.

تبلیغ دینی با روش فرآیندی

حج سال ششم بر پیامبر نازل شده اما پیامبر سال دهم هجری، حج را انجام می‌دهد. رژی بلاشر، شرق‌شناس و عربی‌دان فرانسوی و از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی که به نظر بسیاری یکی از برجسته‌ترین مستشرقان سده‌های اخیر به‌شمار می‌آید یک جمله‌ای در مورد پیامبر ما می‌گوید که حقیقتا خیلی جمله بزرگی است؛ می‌گوید حضرت محمد یک «مهندس فرهنگی» بود که سه نفر مسلمان را در این مدت کوتاه ۳۰۰ هزار نفر کرد و در «حجه‌الوداع» ۱۲۰ هزار نفر با او بودند. این همه رشد دلیلش این است که او تبلیغ را تبلیغ فرآیندی دیده بود. مطرح کردن ولایت امام علی(ع) را برای لحظه‌های آخر نگه می‌دارد. می‌گوید جامعه باید به نقطه‌ای برسد که من بتوانم این پیام را به آنها برسانم. امام در بحث اجتهاد می‌گوید شما که می‌خواهی مجتهد بیرون کشورت باشی، باید بدانی که برای یک جامعه بیرونی از کجا باید شروع کنی و چه‌وقت و چگونه مفاهیم را انتقال دهی. یکی از مشکلات ما مخصوصا در رسانه‌های برون‌مرزی‌مان این است که آنچه در قم و فیضیه فهمیدیم را کاملا می‌خواهیم گرته‌برداری کنیم و برای فضای بیرون بگوییم. معلوم است فضای بیرون با آن مخالفت می‌کند.